

حکایت سخنوری اصفهانی ها به نقل از سفیر انگلیس

۲۶ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۴۲

در این که اصفهانیها مردمان حاضر جوابی هستند، حرفی نیست و از اهل ایران کمتر کسی است که طعم زبان آنها را نچشیده باشد! و خوشمزه آن است که چه بسا این زهر زبان بقدری مطبوع و دلپذیر است که شنونده را نیز خوش می آید و خاطراتی برای او بیادگار میگذارد!

کتابچی مینویسد: «سرجان ملکم» انگلیسی که دوبار به سمت سفارت از طرف انگلستان به ایران آمده و مؤلف «تاریخ ایران» معروف است در کتاب سفرنامه خود به ایران در باب حاضر جوابی اصفهانی ها این ماجرا را نوشته است:



مشهور است که چند سال پیش حکومت اصفهان با برادر حاجی ابراهیم معروف وزیر اصفهانی فتحعلی شاه بود و اقوام و بستگان حاجی ابراهیم در اطراف مملکت متصدی کارهای حکومتی مهمه بوده اند. خود حاجی ابراهیم وزیر به من چنین حکایت نمود که روزی یک نفر از کاسب کارهای اصفهان نزد برادر حاجی ابراهیم که حاکم اصفهان بود می آید و از سنگینی مالیاتی که از او

مطالبه می کرده اند، شکایت نموده می گوید: از پرداخت آن عاجز است.

حاکم به او می گوید: تو نیز مانند دیگران باید این مالیات را بپردازی و آلا باید از این شهر بیرون بروی. آن شخص می پرسد از این شهر به کجا می خواهید بروم؟ حاکم می گوید: به هر درک سیاهی که می خواهی برو چرا به شیراز و کاشان نمی روی؟

آن اصفهانی جواب می دهد: شیراز بروم باز حکومت با برادر توست و کاشان هم حکومتش بدست برادرزاده خود شما است. حاکم متغیر شده می گوید: اگر دلت می خواهد برو طهران از دست من به پادشاه عارض شو. اصفهانی می گوید: چگونه عارض شوم که برادرت آنجا صدراعظم است.

حاکم به غضب آمده می گوید: پس برو به جهنم. اصفهانی می گوید: مگر فراموش فرموده اید که حاجی والدتان مدتی نیست مرحوم شده اند. حاکم را از شنیدن این جواب خنده دست می دهد و فرمان می دهد که مباشرین مالیات با آن شخص طوری کنار بیایند و یک قسمت از مالیات او را از جیب خود بپردازند.

آدرس مطلب :

[https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۸۲۶/حکایت-سخنوری-اصفهان-سفر-نقل-اصفهان-سخنوری-حکایت](https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۸۲۶/حکایت-سخنوری-اصفهانی-سفر-نقل-اصفهان-سخنوری-حکایت)